

## کتاب الصیدنة فی الطب ابوریحان بیرونی و تحریر فارسی کاسانی

سارا فرض پورماچانی<sup>۱</sup>

### مقدمه

«صیدنه ارزشمندترین اثر تاریخی سده‌های میانه خاور در داروشناسی است که کامل‌ترین تصور درباره داروهای شناخته‌شده آن زمان را به دست می‌دهد و برخی از مسائل نظری این رشته را روشن می‌سازد» (بیرونی، پیش‌گفتار مظفرزاده به نقل از کریموف<sup>۲</sup>، ص ۱۰). در این کتاب بیش از هزار منبع دارویی گیاهی، جانوری و معدنی وجود دارد که بسیاری از آنها نتیجه اقامت ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی، دانشمند پرآوازه ایرانی در سده چهارم و پنجم هجری، در سرزمین‌های گوناگون و مشاهدات او بوده است (← بیرونی، مقدمه کریموف، ص ۱۲). علاقه و توجه بیرونی به گیاهان، جانوران و کانی‌ها در آثاری که پیشتر تألیف کرده بود نیز مشهود است. در آثار الباقیه تعداد گلبرگ‌ها و برگ‌ها را مطابق با قوانین هندسی دانسته است. در تحدید نهاییات الأماكن به ویژگی‌های زندگی برخی پرندگان ساحل دریای خزر و دریاچه آرال اشاره کرده است. در تحقیق ماللهند نمونه‌هایی از گیاهان و جانوران هند را برشمرده و در الجماهر فی الجواهر به بررسی کانی‌ها و سنگ‌های گران‌بها پرداخته است. بسیاری از این نمونه‌ها با آنچه در صیدنه از آنها یاد کرده بسیار نزدیک است (بیرونی، مقدمه کریموف، ص ۱۶-۱۷).

الصیدنة فی الطب (داروشناسی در پزشکی) آخرین و یگانه اثر بیرونی در داروشناسی است که پس از گذر از هشتاد سالگی آن را به رشته تحریر درآورده (احتمالاً پس از ۴۴۳ق) و به سبب ضعف بینایی و شنوایی، پزشکی اهل غزنه با نام ابوحامد احمد بن محمد نهشعی (شیخ احمد بیهقی) او را یاری می‌داده است (بیرونی، مقدمه زریاب به نقل از مایرهورف، ص هفده؛ فرض پورماچانی و کرامتی، ص ۵۴۳). به نوشته بیرونی در دیباچه این اثر (۱۳۷۰ش، ص ۱۷-۱۸) نهشعی

۱. عضو هیئت علمی بنیاد دایرة المعارف اسلامی، sfarzpourmachiani@yahoo.com

2. Karimov

با پرسش از داروشناسان خیره و آوردن داروهای ساده نزد بیرونی او را یاری می‌داد. بیرونی نیز شرح داروها را از ظاهر آنها توصیف می‌کرد. به نوشته محمدبن مسعودبن محمدبن زکی غزنوی، منجم مشهور و از نسخه‌برداران صیدنه، این اثر هرگز از سواد (طرح و چرک‌نویس) به بیاض (متن کامل و نهایی) درنیامده و ناتمام مانده است. به گواه او بخشی از متن سواد که از دیگر کتاب‌ها اقتباس شده و شامل شرح مواد دارویی است، به خط نهشعی است و بیرونی در حاشیه آن توضیحاتی درباره این داروها و نام آنها در زبان‌های مختلف نوشته، و اطلاعاتی درباره داروهای کمیاب بدان افزوده است (نیز ← بیرونی، مقدمه زریاب، ص یازده؛ فرض پور ماچانی، ص ۱۲ و پانویس ۱۸). همچنین از آنجا که بیرونی در حواشی متن و به خطی درهم (مُقرمط) و آشفته (مشوش)، در سطرهای نامنظم (مختلف الاوضاع) و با حروفی ناقص می‌نوشت، فهم نوشته را دشوار می‌نمود. شاید این یکی از دلایل مشکلات پیش آمده در متن این اثر باشد که سبب کاستی‌ها و افزوده‌ها، تصحیف و تحریف و اختلاف در ترتیب و فصل‌بندی دست‌نویس‌های مختلف نوشته شده از روی دست‌نویس اصلی شده باشد (بیرونی، مقدمه زریاب، ص یازده). به عقیده غزنوی همه دست‌نویس‌ها دچار این تحریف‌ها بودند، مگر دست‌نویسی که او از روی آن نوشته و دست‌نویسی که نسخه خود را با آن مقابله کرده است (بیرونی، مقدمه کریموف، ص ۱۹، ۲۴، ۱۵۰).

غضنفر تبریزی، کاتب دست‌نویس بورسه، آورده که در پشتِ نخستین برگِ دست‌نویسی که نسخه فعلی را از روی آن نوشته است، به خط ابوالمحمد زکی غزنوی چنین نوشته شده بود:

«التَّسْخُ الْمَوْجُودَةُ كُلُّهَا مَنقُولَةٌ مِنَ السَّوَادِ وَكَانَ السَّوَادُ بِخَطِّ الشَّيْخِ أَحْمَدَ التَّهْشَعِيِّ وَالْأَسْتَاذِ أَبُو رِيحَانَ الْبَيْرُونِيِّ وَمَتْنُ السَّوَادِ بِخَطِّ الشَّيْخِ أَحْمَدَ لَذَكَرِ ادْوِيَّةَ مَشْهُورَةَ مَوْجُودَةَ فِي الْكُتُبِ كُلِّهَا وَحَوَاشِيَهُ بِخَطِّ الْأَسْتَاذِ مَقْرَمَطًا مَشُوشًا عَلَي سَطُورِ مَخْتَلِفَةِ الْأَوْضَاعِ وَحُرُوفٍ مَنقُوضَةٍ لِشَرَحِ تِلْكَ الْأَدْوِيَّةِ وَلَذَكَرِ ادْوِيَّةَ غَرِيْبَةً وَشَرَحَهَا بِالْأَسَامِي الْمَخْتَلِفَةِ وَالْمَعَانِي الْمَتَفَاوِتَةَ فَلِذَلِكَ جَاءَتِ التَّسْخُ كُلُّهَا مَخْتَلِفَةً الْكَلِمَاتِ بِالزِّيَادَةِ وَالتَّقْصَانِ وَالتَّصْحِيفِ وَالتَّحْرِيفِ وَالتَّرْتِيبِ وَالتَّبْوِيبِ إِلَّا نَسْخَةً نَقَلْتَهَا وَقَابَلْتُ هَذِهِ التَّسْخَةَ بِهَا بِعَوْنِ اللَّهِ وَتَوْفِيقِهِ».

گویا مرگ بیرونی مانع از تکمیل و تصحیح نهایی آن شده است (بیرونی، مقدمه کریموف، ص ۱۹).

### محتوای کتاب الصیدنة فی الطب

الصیدنة فی الطب به زبان عربی و مشتمل بر دو بخش پیش‌گفتار و متن اصلی است. پیش‌گفتار مفصل بیرونی شامل چند بند ابتدایی و پنج فصل است. در بندهای ابتدایی، بیرونی درباره اصطلاح

۱. بیشتر ذکر خلاصه‌ای از این مطالب آمد.

۲. بیرونی، ۱۳۷۰ش، ص ۱-۲.

صیدلانی (داروشناس) و نقش داروشناس سخن می‌گوید. به نوشته وی وظیفه داروشناس جمع‌آوری داروها از پسنندیده‌ترین آنها و گزینش بهترین جنس - چه ساده و چه مرکب - از روی بهترین ترکیب‌های آنان است که پزشکان برجسته یک بار برای همیشه تعیین کرده‌اند. به نوشته بیرونی اگر کار ارتقاء در صنعت پزشکی را از پایین‌ترین مرحله به بالاترین آن در نظر بگیریم، داروشناسی نخستین مرحله از مراحل آن است. گاهی نیز داروشناسی را از مراحل پزشکی به شمار نیآورده و مستقل در نظر می‌گیرند. همچنین بیرونی در این بخش درباره دوروش فراگیری داروشناسی سخن گفته‌است. او این بخش را با ابیاتی که به نوشته وی شاید از فردی به نام ابوسعید بن دوست باشد، به پایان رسانده‌است<sup>۱</sup> (← بیرونی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۵۱-۱۵۲).

«در حافظه نگه دار و کتاب جمع مکن  
آفت به جان کتاب فتد و پراکند آنها را  
آتش بسوزاند، آب غرقشان کند  
موش سوراخشان کند و دزد بر باید...»<sup>۲</sup>

بیرونی در فصل اول به ریشه‌شناسی واژه «صیدنه» و «صیدنانی» پرداخته و آن را برگرفته از واژه «صندل»<sup>۳</sup> دانسته که مورد علاقه هندی‌ها و پارسیان بوده‌است و کسانی که آن را برای فروش می‌آوردند، «چندنانی» نامیده می‌شدند. واژه اخیر نیز بر اثر تعریب به صیدنانی تبدیل شده‌است. عرب‌ها این نام را از کسانی که با مواد معطر سر و کار داشتند، به افرادی که با داروها سر و کار داشتند، منتقل کردند. بیرونی در این بخش از افرادی چون احوص، نابع جعدی، ابن‌رومی و عجاج ابیاتی را آورده‌است (← بیرونی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۵۳-۱۶۱).

[شاعر] می‌گوید:

«زن می‌رود به نزد عطار [فروشنده مواد معطر] تا جوانی خویش باز یابد  
اما عَرَّاف [طیب] آنچه را که زمانه خراب کرده اصلاح نمی‌کند»<sup>۴</sup>

بیرونی فصل دوم را با تقسیم‌بندی داروها به ساده و مرکب آغاز کرده‌است. سپس درباره زهرها، مواد غذایی و دارویی سخن گفته و جایگاه هر یک را مشخص کرده‌است. به عقیده او توجه به یک فن در پزشکی و صرف نیروی بسیار در آن شگفت‌آور است چنانکه برخی از پزشکان را کَحَال، جَرَّاح، فِصَاد یا شکسته‌بند می‌نامند. در کتاب‌های هندی‌ها نیز به برخی از طبیبان هندی که با عنوان «درمان‌کننده با زهرها» شناخته می‌شوند، اشاره شده‌است. در پایان این فصل به بیماری بواسیر پدر

۱. باقر مظفرزاده رودسری ابیاتی را که در این بخش از مقاله می‌آیند، به فارسی ترجمه کرده‌است.

۲. بیرونی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۵۲

۳. دو گیاه با نام‌های صندل سفید/ هندی با نام علمی ساتالوم آلبوم از تیره صندلیان و صندل قرمز با نام علمی پتروکاریوس ساتالیپوس از تیره باقلاسانان که چوب و اسانس آنها در داروسازی و عطرسازی کاربرد دارد (محمدری، فر، مدخل «صندل»، ص ۱۱۴-۱۱۸).

۴. بیرونی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۶۰

یکی از بزرگان گردیز اشاره کرده است که پزشکان از درمانش عاجز بودند، اما پزشکی هندی مدعی شد که قادر به درمان اوست. بیرونی سپس جزئیات درمان را شرح داده است، از جمله اینکه «پشت و بالاتر از کلیه‌ها را شکاف داد و در حالی که این موضع را با بیش<sup>۱</sup> مالش می‌داد و زیر لب سخنان جادویی زمزمه می‌کرد، که آنها بی‌آن از عهده بر نمی‌آیند، شروع به خارج کردن خون کرد...» (← بیرونی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۶۱-۱۶۴).

در فصل سوم بیرونی از اهمیت آگاهی درباره داروهای مفرده سخن گفته است؛ بدین سبب که صیدنه شناخت عقاقیر مفرده از روی جنس، نوع و بهترین شکل آنها و تشکیل داروهای مرکب از روی نسخه‌ها یا به دستور محقق قابل اعتماد و درستکار است. بیرونی آگاهی داروشناس از دو فن حذف و تبدیل را ضروری دانسته و به شرح هر یک پرداخته است (← بیرونی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۶۴-۱۶۷). او در تعریف «حذف» چنین آورده: «اگر [داروشناس] و طبیب بخواهند ترکیبی تهیه کنند که به تأثیر موفقیت‌آمیز بر بیماری حاضر شهرت دارد و مرگ و زندگی بیمار به آن ترکیب وابسته است، اما یکی از داروها یافت نشود. در این صورت آنها نباید به سبب این کمبود از تهیه مخلوط یا معجون خودداری کنند...». «تبدیل» شامل تبدیل در جنس و تبدیل در نوع است. تبدیل در نوع بدین معنی است که اگر گیاهی جزء یک ترکیب دارویی است بهتر آن است از منطقه‌ای تهیه شود که به سبب آب و هوا و نوع خاک، خواص دارویی بیشتری داشته باشد. در غیر این صورت از منطقه‌ای که در آن رشد می‌کند اما چندان مرغوب نخواهد شد، تهیه شود؛ بدین سبب که استفاده از آن بسی بهتر از جایگزین کردن گیاهی دیگر به جای آن است. تبدیل در جنس بدین معنی است که «ناموجود را با چیزی جانشین کنند که از نظر شکل [ظاهری] با آن تفاوت دارد اما از نظر نیروی مورد انتظار با آن مشترک است...» (← بیرونی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۶۵-۱۶۶).

بیرونی در پایان این فصل می‌نویسد «هر ملتی با پیشرفت در یک علم یا عمل متمایز است». او یونانیان را در غرب و هندی‌ها را در شرق در این مورد بر سایر ملت‌ها برتری داده است (بیرونی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۶۷).

در فصل چهارم درباره اهمیت زبان عربی و نقش آن در تألیف متون علمی سخن گفته است (بیرونی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۶۸-۱۷۰). به نوشته وی «اگر علمی به آن زبان [خوارزمی] که مطلوب طبع من است جاودانه شود، چنان بیگانه نماید که شتر بر ناودان و زرافه در آبراهه. پس به زبان‌های عربی و فارسی پرداختم...». او سپس اشاره می‌کند که در پزشکی، کسی بهتر است که به زبان عربی مسلط باشد (بیرونی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۶۸-۱۶۹).

۱. نام هندی-ایرانی چندین گیاه از جنس آگنیتم (تیره آلانگان) و به ویژه ریشه (در واقع ساقه نَکمه‌ای زیرزمینی) آنها و زهر کمابیش کُشنده‌ای که از آن ریشه گرفته می‌شد (اعلم، مدخل «بیش»، ص ۲۰۷-۲۱۱).

فریتس کرنکو<sup>۱</sup>، عرب‌شناس آلمانی (ص ۵۲۸-۵۳۴) در ۱۹۳۲م درباره مقایسه زبان فارسی و عربی در مقدمه صیدنه و انگیزه بیرونی در نگارش این کتاب و یادداشت‌های ابوالمحمّد غزنوی اشاره کرده است.

بیرونی در فصل پنجم به آموختن نام یونانی داروها نزد یک یونانی در خوارزم اشاره کرده و علل لزوم یادگیری نام دانه‌ها، میوه‌ها و گیاهان را به زبان یونانی متذکر شده است. سپس از برخی منابع مورد استفاده خود در نگارش صیدنه نام برده است؛ از جمله کتاب بُشاق شماهی / پُشاق شماهی به معنی «تفسیر نام‌ها» که به چهار نام نیز معروف است و هر چیز در آن به زبان‌های رومی، سریانی، عربی و فارسی آمده است. او نسخه‌ای از این کتاب را به خط سریانی یافته و از آن در نگارش صیدنه بهره برده بود. بیرونی از کتاب‌هایی با عنوان لکسیقونات نام برده که شامل عبارات نادر و تفسیر کلمات دشوار است. او از دو کتاب الحشائش دیوسکوریدس که با تصویر گیاهان توضیح داده شده و کُنّاش اوریبسیوس یاد کرده که نام یونانی داروها را در کنار نام آنها آورده‌اند. بیرونی درباره اهمیت دانستن نام داروها به زبان‌های گوناگون سخن گفته و به ذکر مثالی در این مورد پرداخته است چنان‌که برای درمان یکی از امیران خوارزم، نسخه داروی بیماری‌اش را از نیشابور فرستادند؛ داروشناسان نتوانستند یکی از داروها را شناسایی کنند. فقط یکی از آنها این دارو را که ریشه بود، شناسایی کرد (بیرونی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۷۰-۱۷۳).

در پایان این بخش، بیرونی درباره شیوه همکاری با نهشعی در نگارش صیدنه سخن گفته است و از او به عنوان فردی آگاه به زبان و علوم نزدیک بدان و نیز مسلط به پزشکی یاد کرده است. به نوشته بیرونی، او دو کتاب ابوبکر رازی را در داروشناسی و بدل‌ها خوانده و از آن سود کافی نبرده است. به این سبب مطالبی از این دو کتاب را به آنچه نزد خود گرد آورده بود، افزود و در نگارش صیدنه از آن بهره جست. به نوشته بیرونی او در الصيدنة فی الطب به نیروها و خواص داروها به سبب «گسترده‌گی سخن در این باره و دشواری آن» برای او، نپرداخته مگر اینکه گفتنش ضرورت داشته باشد، و با اشاره به این نکته که او مداخل داروشناسی را به ترتیب ابث تنظیم کرده و نه ابجد بخش پیش‌گفتار را به پایان رسانده است (بیرونی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۷۵-۱۷۶).

پس از اتمام پیش‌گفتار، متن اصلی صیدنه آغاز می‌شود که شامل مفردات دارویی با منشأ گیاهی، جانوری و کانی است که به ترتیب ابث به اضافه «لام و الف» آغازین مرتب شده‌اند و در مجموع ۲۹ حرف را در بر می‌گیرند (فرض‌پور ماچیانلی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۲). طول مباحث

۱. Fritz Johann Heinrich Krenkow  
۲. گیاهی علفی، پایا، معطر و زینتی با نام علمی لیلیوم کاندیدوم از خانواده سوسن (فرض‌پور ماچیانلی، ۱۳۹۷ش، مدخل «سوسن» (۱)).  
ص ۱۸۷-۱۹۰.

داروشناسی برای مداخل مختلف، بسیار متفاوت است و از چند واژه همچون مدخل «ابن دَایة» تا چند صفحه همچون مدخل «عسل» را در بر می‌گیرد (← بیرونی، مقدمهٔ زریاب، ص شانزده). غالب مواردی که بیرونی پس از عنوان هر دارو به آنها پرداخته است عبارتند از: ماهیت داروها، نام دارو در زبان‌های مختلف از جمله عربی، یونانی، سریانی، هندی، فارسی، تُخاری، خوارزمی، سغدی، سجزی و ترکی و نیز گویش‌های خراسان بزرگ و ماوراءالنهر، مرزهای کنونی ایران و شبه قاره هند، ویژگی‌های هر دارو با نقل از آثار یونانی‌ها و حکمای دورهٔ اسلامی، محل پیدایش داروها، نحوهٔ تجارت و کاربرد آنها، مشاهدات خود، بدل‌ها و گاه خاصیت داروها.

برای نمونه در مدخل «حِئَاء» چنین آورده است:

«ابن دُرَید: العُلام هو الحِئَاء. ورقه بالسریانیة طفری دحقرا. ارجانی: فاغیته معتدلة. ماسرجویه: مثل ذلک. بولس: يستعمل زهره فی دهنه. وقال بدل الحِئَاء رماد ورق الزیتون. مجمل اللغة: الیرتأ الحِئَاء. ابوحنيفة: الرقون والرّقان الحِئَاء ومنابته بارض العرب کثیرة وشجرته یعظم حتی یکون کالسدر وهو البیره او الیرتأ والعُلام والارقان. ابن ماسویه: بدل دهنه دهن المرزنجوش<sup>۱</sup>».

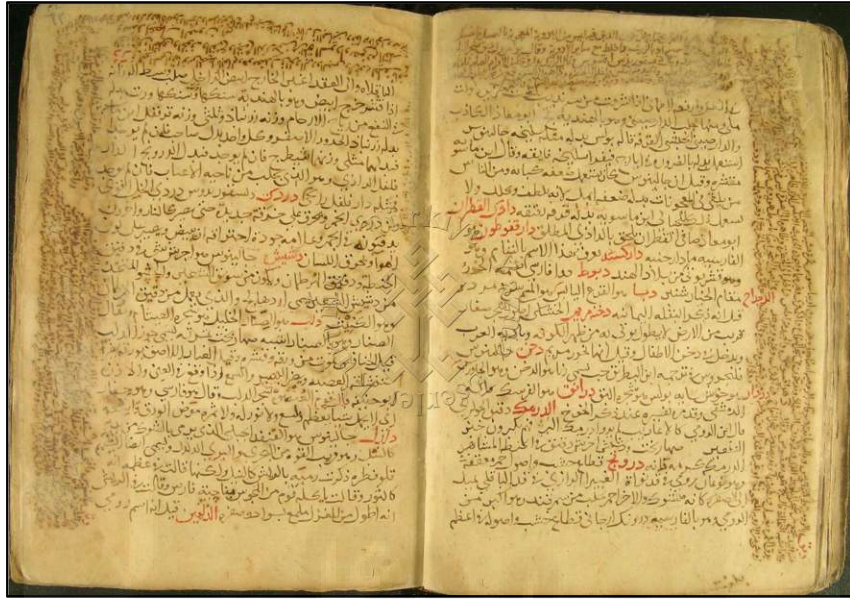
**یگانه دست‌نویس موجود از روایت عربی، دست‌نویس‌های بازنویسی شده و برخی پژوهش‌ها بر آن**

زکی ولیدی توغان<sup>۲</sup>، دانشمند اهل ترکیه، در ۱۹۲۷م نخستین بار دست‌نویس عربی صیدنه را در کتابخانهٔ جامع قورشونلو (بورسه در ترکیه) یافت (بیرونی، مقدمهٔ کریموف، ص ۳۷) و به هلموت ریتز<sup>۳</sup>، اسلام‌شناس مشهور آلمانی اطلاع داد. ریتز نیز آن را به ماکس مایرهوف<sup>۴</sup>، چشم‌پزشک، خاورشناس و مورخ آلمانی خبر داد. به نوشتهٔ زریاب، مورخ، مترجم، دانشمند و محقق در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی، این دست‌نویس نخست در شهر قیصریه بود و از آنجا به شهر بورسه در ترکیه برده شد و به شمارهٔ ۱۴۹ در کتابخانهٔ قورشونلو نگهداری می‌شود. تاکنون نسخهٔ دیگری از روایت عربی صیدنه به دست نیامده است. مجتبی مینوی از روی این نسخه میکروفیلمی را برای کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران تهیه کرده است که به شمارهٔ ۳۶۳ در این کتابخانه نگهداری می‌شود (← بیرونی، مقدمهٔ زریاب، ص نه؛ رضازاده لنگرودی، مدخل «زریاب، عباس»).

ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم تبریزی، معروف به غضنفر، این دست‌نویس را در ۶۷۸ق استنساخ کرده است (دست‌نویس خطی صیدنهٔ عربی، گار؛ بیرونی، مقدمهٔ کریموف، ص ۲۳).

۱. بیرونی، ۱۳۷۰ش، ص ۲۲۷

2. Ahmet Zeki Validi Togan  
3. Hellmut Ritter  
4. Max Meyerhof



دست‌نویس روایت عربی صیدنه، موجود در کتابخانه جامع قورشونلو، ش ۱۴۹

به نوشته عُبیدالله ایسرائیلویچ کریموف، خاورشناس، ایران‌شناس و عرب‌شناس ازبک، در این دست‌نویس انواع تصحیف‌ها و اشتباه‌ها وجود دارد که بی‌گمان به سبب وجود تعداد پرشمار واژه‌های خارجی و نیز وضع بد نسخه‌ای بوده که غضنفر از روی آن نوشته است. چنانکه غضنفر نیز به این نکته اشاره کرده و کاتب نسخه‌ای که از روی آن بازنویسی کرده را دیوانه‌ای ملقب به دیودست خطاب کرده است. به نوشته غضنفر دست‌نویس دیودست از ابتدا تا بخش نوزدهم کتاب را در بر می‌گیرد و او تلاش کرده تا اشتباهات دیودست را تصحیح کند. اما این کار به سبب اشتباهات زیاد و بدخطی کاتب امکان‌پذیر نشده است. به نوشته کریموف بنا بر یادداشت پشت نخستین صفحه، بقیه نسخه را محمد بن مسعود بن محمد بن زکی غزنوی، احتمالاً در ۵۴۹ق بازنویسی کرده و با دست‌نویس اصل تطبیق داده است (بیرونی، مقدمه کریموف، ص ۲۳-۲۵) و این سخنان را در پشت برگ نخستین دست‌نویس [بورسه] این چنین آورده است:

«تداولت الايام بالتوبة لمحمد بن مسعود بن محمد الزکی في سنة تسع واربعين وخمسائة فتصّفحه وكان كاتبه مُصَحِّفاً فصَحَّحَ بالمقابلة وكان بعض الكلمات في السواد مقطوعة الدنابي لتقويس الكتابة فلذلك جاءت بتراء.»<sup>۱</sup>

در حاشیه این نسخه یادداشت‌هایی با جنبه‌های گوناگون وجود دارد که به نوشته کریموف، ناسخ

۱. بیرونی، ۱۳۷۰ش، ص ۲

واژه‌ها یا جمله‌های جداگانه و حتی تمامی عنوان دربارهٔ یک ماده گیاهی را از قلم انداخته است. اما نمی‌توان گفت که این حواشی از آن غزنوی است یا غضنفر و یا یک خواننده (بیرونی، مقدمهٔ کریموف، ص ۲۵).

این نسخه ۹۲۸ مدخل کامل و پنج افتادگی بزرگ دارد که عبارتند از: از اواسط «باشان» تا «بقلة اليهودية»، از اواسط «تین» تا «جنطیانا»، از «دند» تا اواسط «زاج»، از «سولان» تا اواسط «صبر»، از «قطونا» تا «کرم». کریموف، مترجم روسی صیدنه و زریاب، مصحح متن عربی آن، این بخش‌ها را با استفاده از تحریر فارسی کاسانی پر کرده‌اند و به این ترتیب شمار مجموع این مداخل به ۱۱۲۷ رسیده است (فرض‌پور ماچپانی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۶ و پانویس ۱۹-۲۱).

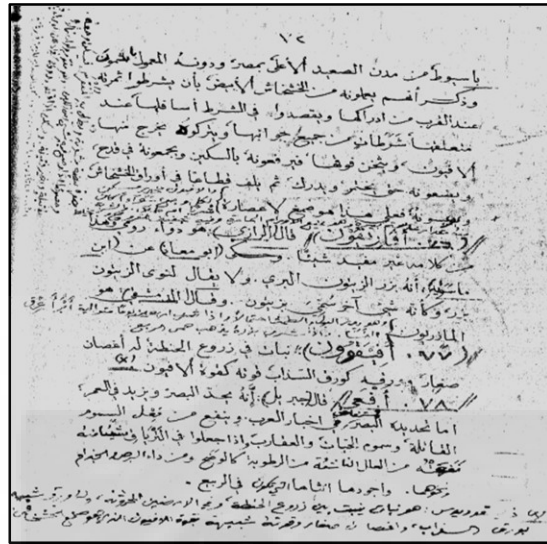
از روی دست‌نویس بورسه دو دست‌نویس دیگر بازنویسی شده است که یکی در قاهره و دیگری در بغداد موجود است. نسخهٔ قاهره به سفارش مایرهوف و در ۱۹۳۰ توسط محمود صدقی افندی بازنویسی شد که امروز به شماره ۳۰۱۴ در کتابخانهٔ ملی قاهره نگهداری می‌شود (بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی، مقدمهٔ ستوده و افشار، ص شش؛ بیرونی، مقدمهٔ زریاب، ص نه، بیست و یک).

مایرهوف (۱۹۳۳، ص ۱۵۷-۲۲۶) بر اساس این نسخه، متن مقدمهٔ صیدنه و ترجمهٔ آلمانی آن را همراه یادداشت‌ها و پیش‌گفتاری مفصل منتشر کرد و نیز ترجمهٔ خلاصهٔ مدخل «اظفار الطیب» را برای نمونه آورد. به گمان مایرهوف کتاب الصيدنة بیرونی، به‌رغم ناتمامی، بی‌چون و چرا برتر از آثار داروشناسی غاققی<sup>۱</sup> و ابن بیطار<sup>۲</sup> است.

نسخهٔ دیگری نیز از روی دست‌نویس بورسه به سفارش انستاس کِرمِلی، زبانشناس لبنانی، استنساخ شده است. این نسخه به شماره ۱۹۱۱ در کتابخانهٔ موزهٔ بغداد نگهداری می‌شود. میکروفیلمی از آن در المجمع العلمي العراقي وجود دارد و از روی آن میکروفیلمی برای دانشگاه تهران تهیه شده که به شماره ۲۸۸۹ در کتابخانهٔ مرکزی این دانشگاه نگهداری می‌شود (← بیرونی، مقدمهٔ کریموف، ص ۲۸-۲۹؛ بیرونی، مقدمهٔ ستوده و افشار، ص شش). کرمِلی حواشی و تعلیقات زیادی در کنار صفحات و میان سطرها نوشته است. به نوشتهٔ زریاب او در پایان کتاب داروهایی را که حدس می‌زده از دست‌نویس بورسه افتاده است به روش ابوریحان با ذکر اسامی یونانی، سریانی و فارسی بر آن افزوده است. همچنین به نوشتهٔ وی کرمِلی نسخه‌های ترجمهٔ فارسی را ندیده بود، در غیر این صورت، نیازی به افزوده‌های او نبود (بیرونی، مقدمهٔ زریاب، ص بیست و دو).

۱. داروشناس اندلسی در سدهٔ ششم، نویسندهٔ کتاب الأدوية المفردة  
 ۲. گیاهشناس و طبیب اندلسی در سدهٔ هفتم، نویسندهٔ الجامع لمفردات الأدوية والأغذية





دست‌نویس موزه بغداد، میکروفیلم کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۱۹۱۱

کرنکو که پیشتر به پژوهش بر صیدنة عربی و تحریر فارسی پرداخته بود، در نامه‌ای خطاب به کرملی او را از وجود دو نسخه از ترجمه فارسی، یکی در موزه بریتانیا و دیگری در علیگره، آگاه و به افتادگی‌های فصول «ج» و «ق» در نسخه عربی اشاره کرده‌بود. او مطلب مربوط به «جای» را از نسخه فارسی ترجمه کرده و برای چاپ به مجمع علمی عربی در دمشق فرستاده بود. کرملی ترجمه عربی نامه کرنکو، را نیز در نسخه موزه بغداد در ابتدای بخش افزوده‌های خود آورده‌است (بیرونی، مقدمه زریاب، ص بیست و دو).

ظاهراً کرملی شباهت‌های زیادی بین الصيدنة و بخش دوم القانون فی الطب ابن سینا یافته بود. به عقیده او بیرونی و ابن سینا از منبعی مشترک استفاده کرده بودند، اما به سبب خصومتی که با یکدیگر داشتند هیچ یک از دیگری نقل قول نکرده‌است. او در برخی از عنوان‌ها متن بیرونی را با نقل از قانون ابن سینا تکمیل کرده‌است (بیرونی، مقدمه کریموف، ص ۲۹).

زریاب به نقل از مایرهوف این ادعا را رد کرده‌است. به نظر او شیوه ابوریحان در نگارش صیدنه همچون یک عالم طبیعی گیاه‌شناس، جانورشناس، کانی‌شناس و زبان‌شناس این است که نام داروها را در زبان‌ها و لغات مختلف ذکر کرده و از اشعار و ادبیات شاهد آورده‌است، و چنانکه خود در مقدمه صیدنه گفته‌است به اوصاف درمانی و خواص داروها نپرداخته‌است. اما ابن سینا همچون یک پزشک و داروشناس، داروها را به روش طبی و اصولی توصیف کرده و درباره هر دارویی مواردی از جمله ماهیت دارو و تعریف علمی آن، اختیار (آن نوع از این دارو که باید برگزید)، طبع، خواص دارویی، زینت (کاربرد) را بیان کرده‌است (بیرونی، مقدمه زریاب، ص بیست و چهار).

حکیم محمد سعید و رعنا احسان‌اللهی، مترجمان انگلیسی صیدنه در پاکستان<sup>۱</sup>، گمان کردند که افزوده‌های نسخه بغداد از آن بیرونی است و در نتیجه آن را در متن ترجمه وارد کرده‌اند و درباره اینکه اضافات در متن نبوده و در پایان نسخه آمده اشاره‌ای نکرده‌اند. به نوشته زریاب دقت بیشتر در این مطالب اضافی نشان می‌دهد که این افزوده‌ها از آن بیرونی نیست و در قرن‌های متأخر نوشته شده‌است. زریاب برای تصدیق گفته خود به مقایسه مداخل حرف «ث» در افزوده نسخه کرملی با تحریر کاسانی پرداخته‌است. نتایج او حاکی از آن است که علاوه بر نام داروها، این دو نسخه در شرح داروها نیز بسیار تفاوت دارند و کرملی بیشتر افزوده‌های خود را از ابن‌بیطار نقل کرده‌است (← بیرونی، مقدمه زریاب، ص بیست و دو- بیست و سه، سی و چهار- سی و پنج). سامی خلف حمارنه<sup>۲</sup> مقدمه‌ای مفصل همراه با شرح و تعلیقات بر ترجمه انگلیسی نوشت که به عنوان جلد دوم ترجمه یادشده منتشر شد.<sup>۳</sup>

پژوهشگران تاکنون از وجود بخش‌هایی هرچند کوتاه از صیدنه عربی در حاشیه دو نسخه خیر داده‌اند. میکروفیلم یکی از این نسخه‌ها به شماره ۸۱۹۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. این نسخه شامل چند کتاب<sup>۴</sup> و مطالبی از صیدنه بیرونی است، اما کاتب به نام صیدنه و یا مؤلف آن اشاره نکرده‌است. زریاب به ویژه در بخش‌هایی که متن عربی افتادگی دارد عین مطالب منقول در حواشی را آورده و یا در موضعی که مفید بوده برای تصحیح متن عربی از این حواشی هم استفاده کرده‌است (بیرونی، مقدمه زریاب، ص سی و شش- سی و نه).

نسخه دیگر به شماره ۹۴۵۲ در کتابخانه بریتانیا نگهداری می‌شود. این نسخه مجموعه‌ای پزشکی شامل فصول ابقرراط و منهاج‌البیان ابن‌جزله است. صفری آق‌قلعه (۱۳۹۴ ش، ص ۹۲- ۹۷) دو بخش از متن عربی صیدنه شامل مداخل «جاویزن» و «رُهم» را که در نسخه بورسه وجود ندارد، در برگه‌های انتهایی این مجموعه یافت و به مقایسه آنها با چاپ و تنها دست‌نویس عربی، چاپ و برخی از دست‌نویس‌های ترجمه فارسی، متن عربی موجود در حاشیه منهاج‌البیان و نیز کتاب الجماهر بیرونی پرداخت. به نوشته صفری وجود این دو مدخل در این نسخه می‌تواند پژوهشگران را در تأیید یا تصحیح متن عربی و فارسی یاری کند.

1. 1973: Hakim Mohammed Said, tran. *Al-Biruni's Book on Pharmacy and Materia Medica*. Karachi: Hamdard National Foundation. Pakistan series of Central Asian Studies No 1

2. Sami K. Hamarneh

3. 1973: Hamarneh, Sami K. *Al-Biruni's Book on Pharmacy and Materia Medica: Introduction, Commentary and Evaluation*. Hamdard National Foundation. Pakistan Series of Central Asian Studies 2.

۴. این آثار عبارتند از: دفع المضار الکلیه للابدان الانسانیة از ابن‌سینا، منهاج‌البیان فی ما يستعمله الانسان از ابن‌جزله، مقدار اعمار الادویة، قوانین الأبدال و کتاب الاقناع، علاوه بر این کتاب‌ها این نسخه حاوی حواشی است از کتاب‌های گوناگون که عبارتند از: کتاب النبات دینوری، الموازنة بین العربیة والفارسیة، کتابی از عبدالله بن محمد بن عیسی البارودی درباره عطریات و اشربه و ربوب و...، طباع الحیوان و خواصها از ابوسعید عبیدالله بن جبرائیل بن عبدالله بن بختیشوع بن جبرائیل

### ابوبکر بن علی بن عثمان کاسانی و تحریر کهن فارسی صیدنه

ابوبکر بن علی بن عثمان کاسانی که نامش در دست‌نویس‌های مختلف تحریر فارسی به صورت‌های دیگری همچون ابوبکر بن علی بن عثمان بن اسفرا الکاسانی، ابوبکر بن علی کاشانی و ابوبکر بن علی بن عثمان بن اشقر الکاشانی نیز آمده‌است (برای آگاهی بیشتر ← فرض‌پور ماجیانی و کرامتی، ص ۵۴۸-۵۵۱)، دانشوری از مردم کاسان فرغانه بود که در ربیع نخست سده ۷ ق صیدنه را ترجمه و به شمس‌الدین ابوالفتح ایلتمش (حک ۶۰۷-۶۳۳ ق/ ۱۲۱۱-۱۲۳۶ م)<sup>۱</sup> هدیه کرد. کاسانی که آوازه دانشمندپروری سلطان دهلی را شنیده بود، همچون بسیاری از دانشمندان خراسان و ماوراءالنهر به سوی هند رهسپار شد. او در دیباچه خود بر تحریر فارسی چنین آورده‌است:

«حضرتی دیدم به یمن دولت قاهره لازالت ممدوده الرواق، مشدوده النطاق، مجمع فضلاء دهر و مفرع کبراء عصر گشته [و هر یک از ساکنان حضرت به جاذبه الطاف شاهنشاهی] وطن اصلی را وداع کرده و اشراف بلاد خراسان و ماوراءالنهر خود را [از] سموم حوادث در ظل عنایت و کنف حمایت [او] آورده ...»<sup>۲</sup>.

از آنجا که او در مدخل «زنجرف» به مشاهده خود در ناحیه اسپره [در فرغانه] در سال ۶۰۰ ق اشاره کرده‌است؛ شاید بتوان گفت که در این تاریخ در فرغانه بوده‌است. او ذیل این مدخل چنین گفته‌است:

«[ابوبکر بن علی بن عثمان] گوید کوهی که در آن موضع از او سیماب حاصل شود معروف است. در تاریخ سنه ستمائة [در تصرف] دهقانی از ساکنان [آن] خطه که او را دهقان عالم غایبان گفتندی و غایبان موضع است از مضافات عالم ولایت اسپره»<sup>۳</sup>.

همچنین بنا بر گزارش ابن‌اثیر، سلطان محمد خوارزمشاه پس از چند نبرد با مغول‌ها، به مردم چاچ و فرغانه و اسفیج‌جاب و کاسان و شهرهای دیگر آن حدود که در جهان خرم‌تر و آبادتر از آن‌ها نبود دستور داد تا بکوچند و به شهرهای اسلامی بپیوندند. سپس آن شهرها را ویران کرد؛ بدین سبب که می‌ترسید به دست تاتارها بیفتند. از این رو خروج کاسانی از کاسان یا ناحیه فرغانه نباید دیرتر از ۶۰۴ ق باشد (فرض‌پور ماجیانی و کرامتی، ص ۵۵۶-۵۵۷).

به نوشته کاسانی پس از یک سال و نیم که در دربار پادشاه بود، تصمیم گرفت که صیدنه بیرونی را به فارسی ترجمه و به سلطان هدیه کند. کاسانی صیدنه را کتابی ارزشمند و ابوریحان را از مشاهیر روزگار خود می‌دانست. بدین سبب این کتاب را برای ترجمه برگزید (بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی، ص ۱۶-۱۷).

۱. از شاخه ترکان سلاطین دهلی

۲. بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی، ص ۱۳

۳. بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی، ص ۳۵۰

او در دیباچه خود چنین آورده است:

... و بعد از تدبیر و استخارت و تفکر و استشارات مقرر شد که پیش از آنک به خدمتی قیام نموده شود صیدنه ابوریحان را از تازی به پارسی ترجمه کرده آید. زیرا ک [فایده] این کتاب نفیس بیش بی کرانه مشاهده کردم و ابوریحان که در معرفت فنون حکمی و تتبع علوم طبیعی از مشاهیر عصر خود ممتاز بوده است و نکته‌های حکماء متقدم و فضلاء متأخر که در معرفت ادویه مفرد و خاصیت آن [و] تعریف هیأت و اسامی به اختلاف لغات در مصنفات خود آورده‌اند آن جمله را در این مجموع ایراد کرده است. و چون جمع او به لغت عرب بود فایده آن مقصور بود بر کسانی که بر لغت عرب وقوف تمام ندارند...<sup>۱</sup>

پژوهشگرانی چون زکی ولیدی طوغان، دانشمند اهل ترکیه، بوریج<sup>۲</sup>، خاورشناس، نذیر احمد<sup>۳</sup>، دانشمند هندی، ستوده و افشار و زریاب بر آن بودند تا تاریخ تقریبی ترجمه فارسی را به دست آورند و هر یک شواهدی برای حدس خود عرضه کرده‌اند. فرض پور ماچیانی و کرامتی (ص ۵۵۷-۵۶۰) پس از بیان پژوهش‌های پیشین و با ذکر دلایلی چون اشاره کاسانی به «پادشاه پیشین، قطب‌الدین ایبک»، «اقامت در دربار شمس‌الدین در روزگار پادشاهی وی» و «اعلام پادشاهی ناصرالدین پس از شمس‌الدین»، تاریخ تقریبی ترجمه را در نخستین سال‌های پادشاهی شمس‌الدین و به حدس نذیر احمد، یعنی ۶۱۱ق، درست‌تر دانسته‌اند.

کاسانی درباره شیوه کار خود به روشنی چیزی نگفته است اما از اشارات او، به‌ویژه از برخی انتقادات از ابوریحان پیداست که در هنگام ترجمه چیزهایی را بر اصل عربی افزوده یا از آن کاسته است. فرض پور ماچیانی و کرامتی (ص ۵۶۱-۵۶۳) افزوده‌ها و کاستی‌های روایت عربی و دست‌نویس‌های تحریر فارسی را بررسی کرده‌اند، اما چند و چون این کمی و بیشی، به دلیل در دست نبودن روایتی معیار از متن عربی چندان که باید و شاید روشن نیست (برای آگاهی از برخی تفاوت‌های روایت عربی و دست‌نویس‌های تحریر فارسی و نیز برخی افزوده‌ها و کاستی‌های مدخل روایت فارسی صیدنه ← فرض پور ماچیانی، ۱۳۹۹ش، ص ۳۰-۶۸).

کاسانی مقدمه‌ای مفصل همراه با اشعار عربی و فارسی برای ترجمه خود نوشته است. او دیباچه خود را با مدح آغاز کرده و به قول کریموف احتمالاً می‌خواسته تا کمبودی را که از این نظر مقدمه صیدنه بیرونی داشته است، جبران کند (بیرونی، مقدمه کریموف، ص ۳۱). از جمله کاسانی چنین آورده است: «و این دعاگوی در مدت یک سال و نیم که ساکن این حضرت بود از اعاجیب اصطناع ربانی در

۱. بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی، ص ۱۷-۱۸

2. Beveridge  
3. Nazir Ahmad

حق مجلس اعلیٰ اعلاه الله در مقام تعجب می‌بود، و شرط تأمل و تأنی به جای می‌آوردم که به کدام واسطه خود را در سلک دعاگوئی منتظم گرداند<sup>۱</sup>.

اختصار در ترجمه متن صیدنه و حذف بخش زیادی از آن، عدم رعایت ترتیب فصل‌بندی، افزوده‌هایی به‌ویژه دربارهٔ خواص داروها و بهره‌گیری از منابعی که بیرونی از آنها استفاده نکرده، از ویژگی‌های تحریر فارسی صیدنه است. کاسانی در افزوده‌های خود بر خواص داروها همچون بیرونی از ابوزید ارجانی نقل کرده است. نام بیش از پانزده دانشمند، زبان‌شناس و فرهنگ‌نویس در تحریر فارسی به چشم می‌خورد که در متن عربی صیدنه به آنها اشاره‌ای نشده است؛ از جمله ابوعمر و شیبانی، ابوزید انصاری و ابواسحاق زجاج که هر سه زبان‌شناس بوده‌اند و نقل قول‌هایی که بیشتر جنبهٔ دستور زبان دارند (بیرونی، مقدمهٔ کریموف، ص ۳۲-۳۳).

کاسانی اطلاعاتی دربارهٔ گیاهان و دیگر مواد دارویی که در فرغانه و گاه در کاشغر و ختن مشاهده کرده و نیز نام برخی از داروها که در بین مردم فرغانه و ماوراءالنهر رواج داشته بر ترجمهٔ خود افزوده است (بیرونی، مقدمهٔ کریموف، ص ۳۴). همچنین در برخی موارد اسامی هندی داروها را افزون بر آنهایی که بیرونی نام برده، آورده است.

او در مدخل «عنان» چنین آورده است:

«عنان درختی است که پارسیان او را سنجدان گویند و بلغت سریانی او را زیزوفن گویند و چنین گویند که عناب غیرا است مر اهل چین را، و به لغت رومی او را ژیزفون گویند. و اهل فرغانه درخت او را سنجد جیلان گویند. ارجانی گوید خاصیت عناب گرم و تر است در یک درجه، و درشتی حلق را دفع کند، و تیزی خون و هیجان او را تسکین دهد، و طبع را نرم کند، و در معده دیر هضم شود، و سرفه و دمه را سود دارد، و درد بر و سینه و گرده و مثانه را منفعت کند، و آنچه از وبه هیأت بزرگتر باشد نیکوتر بود<sup>۲</sup>».

### دست‌نویس‌های تحریر فارسی و برخی پژوهش‌ها بر آن

بورجی نخستین بار دست‌نویسی از تحریر فارسی صیدنه را در هند یافت و به بریتانیا منتقل کرد و اکنون نیز به شمارهٔ Or. 5849 در موزهٔ بریتانیا نگهداری می‌شود. او در ۱۹۰۲م این نسخه را در مجلهٔ جمعیت آسیایی پادشاهی معرفی کرد<sup>۳</sup>. این دست‌نویس سال‌ها پیش از دست‌نویس روایت عربی صیدنه شناسایی شد. تاکنون هفت دست‌نویس از تحریر فارسی صیدنه شناسایی شده‌اند که عبارتند از:

### دست‌نویس کتابخانهٔ عمومی مغنیسا<sup>۴</sup> (ترکیه)، شمارهٔ ۱۷۸۹؛ کهن‌ترین دست‌نویس

۱. بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی، ص ۱۶

۲. بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی، دست‌نویس بریتانیا، گ ۱۲۱ پ

3. Beveridge, Henry. "An Unknown Work by Albīrūnī." *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland* (1902), pp. 333-335.

4. Manisa

شناخته‌شدهٔ تحریر فارسی صیدنه تاکنون به‌شمار می‌آید. افشار (بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی، مقدمه، ص هفت-هشت) تاریخ کتابت آن را اوائل قرن هشتم هجری تخمین زده‌است، اما مینوی (ص ۵۰) آن را متعلق به قرن هفتم دانسته‌است<sup>۱</sup>. این دست‌نویس مبنای کار ستوده و افشار برای تصحیح تحریر فارسی بوده‌است.

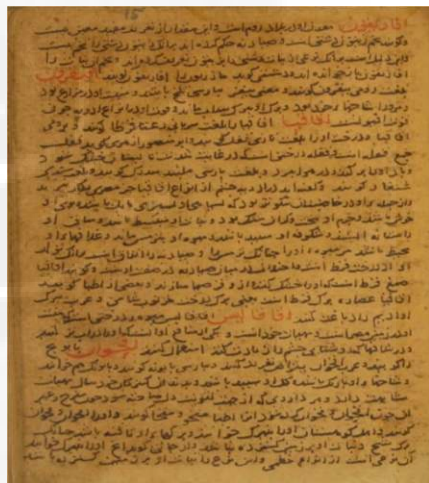
دست‌نویس مغنیسا ساختاری دوپاره دارد. پارهٔ اول شرح مفردات ادویه است یعنی ترجمهٔ آزاد از متن با بعضی اضافات از مترجم. پارهٔ دوم شامل خواص مفردات است به ترتیب حروف معجم یعنی به همان ترتیبی است که در پارهٔ اول کتاب آمده‌است. پارهٔ دوم با این عبارت آغاز می‌شود:

«خَوَاصِ اَدْوِيَةِ مُفْرَدَةٍ اَزِیْن کِتَابِ صَيَدْنَهْ کِهْ ذِکْر مَعْرِفَتِ وَ هَيَاَتِ وَ مَنَبَتِ وَ اِیْرَادِ هِر يکِ کِرْدِهْ اَمْدَه‌سْت بَر تَرْتِیْبِ حُرُوفِ مَعْجَمِ اَز تَصْنِیْفِ بُوْرِيْحَانِ تَرْجَمَةُ قَاضِي جَلَالِ کَاسَانِي.»

بررسی ساختار این دست‌نویس و مقایسهٔ آن با پنج دست‌نویس دیگر نشان داده‌است که ساختار دوپاره، ساختار معیار محرر فارسی نیست (فرض‌پور ماجیانی، ۱۳۹۹ش، ص ۳۰-۶۷).



دست‌نویس کتابخانهٔ عمومی مغنیسا (پارهٔ دوم)



دست‌نویس کتابخانهٔ عمومی مغنیسا (پارهٔ اول)

دست‌نویس مجلس شورای اسلامی، شمارهٔ ۶۶۱۶؛ این دست‌نویس علاوه بر افتادگی‌های داخل آن، از اواسط مدخل «هلیج» تا آخر کتاب را نیز ندارد و در نتیجه فاقد رقم و تاریخ کتابت است. افشار (بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی، مقدمه، ص هشت) تاریخ احتمالی کتابت آن را قرن نهم دانسته‌است. علاوه بر این مداخل دیگری هم از این دست‌نویس حذف

۱. مجتبی مینوی در مقاله‌ای با عنوان «ابوریحان بیرونی (بنسابت هزارهٔ ولادت او)» در بررسی‌هایی دربارهٔ ابوریحان بیرونی به مناسبت هزارهٔ ولادت او، بخشی از مقدمهٔ صیدنهٔ عربی را همراه با شرحی دربارهٔ دست‌نویس عربی کتابخانهٔ قورشونلو، تحریر فارسی کاسانی و سه دست‌نویس مغنیسا، بریتانیا و مجلس منتشر کرده‌است.

شده است و برخی مداخل نیز بدون عنوان و یا در ادامه مدخل قبلی آمده است (برای آگاهی بیشتر ← فرض‌پور ماچیانی، ۱۳۹۹ش، ص ۲۵).

**دست‌نویس کتابخانه عمومی فرهنگ اصفهان، شماره ۵۳۵۱؛** این دست‌نویس همراه با تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام تنظیم شده است. تاریخ کتابت آن ۹۸۲ق است و از روی دست‌نویس مورخ ۷۳۷ق استنساخ شده است که امروز در دست نیست. عکس این دست‌نویس به شماره ۷۰۷۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. در این دست‌نویس نیز جابه‌جایی‌هایی در عنوان‌ها وجود دارد اما تقریباً همه مداخل را در برمی‌گیرد. این دست‌نویس با مدخل «ینبوت» به پایان می‌رسد (بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی، مقدمه، ص هشت-سیزده؛ برای آگاهی از مداخل حذف شده در این دست‌نویس ← فرض‌پور ماچیانی، ۱۳۹۹ش، ص ۲۶).

**دست‌نویس سازمان لغت‌نامه دهخدا، ش ۱۹۷/۲؛** وابسته به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران که در ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۰۰۷ق در اصفهان به پایان رسیده است. کاتب بعضی از حواشی و تعلیقات خود را در محرم ۱۰۱۴ق در کرمان بر آن الحاق کرده و تصرفاتی نیز در متن کتاب انجام داده است. چنانکه در اغلب موارد به جای اسامی اعلم از حروف اختصاری استفاده کرده است برای مثال «خاصیت» را با «ص» و «ارجانی» را با «نی» نشان داده است. گاه یادداشت‌های مختصری نیز از علی‌اکبر دهخدا در حواشی نسخه دیده می‌شود (بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی، مقدمه، ص سیزده). جابه‌جایی عنوان‌ها در این نسخه بسیار زیاد است از جمله عنوان‌های «جبه»، «جبلت»، «خشخاش»، «دردار»، از «خبازی» تا «خسرودار»، «کحل»، «کتل»، «منشم». مقایسه این نسخه با تصحیح ستوده و افشار نشان می‌دهد که در این نسخه برخی عنوان‌ها نیامده است از جمله: از مدخل «ثوم» تا آخر حرف ث، از «رعی الایل» تا «رمان»، از «مرام» تا «ریوند» و نیز «تبیانج»، «زردالان»، «سایبج»، «سانیتا»، «ساطل»، «سنجسویه» (فرض‌پور ماچیانی، ۱۳۹۹ش، ص ۲۶).

**دست‌نویس کتابخانه دانشگاه علی‌گه (هند)، ش ۱۹۶؛** این دست‌نویس در ۱۰۰۸ق کتابت، و دست‌کم از ۱۹۱۵م (باز هم پیش از دست‌نویس اصل عربی) شناخته شده است.

کرنکو این دست‌نویس را از نظر یادکرد مداخل کامل اما از نظر محتوا بسیار خلاصه شده انگاشته بود. به گزارش وی (۱۹۴۶، ص ۱۰۹-۱۱۰)، مدخل «چا» (چای) که از جمله مداخل‌های افتاده از دست‌نویس عربی است، در دست‌نویس علی‌گه تنها یک خط و در دست‌نویس بریتانیا بسیار مفصل است. به نظر او دست‌نویس علی‌گه «همه» مداخل‌های اثر اصلی را در خود دارد اما

از این دست‌نویس به دلیل افراط در تلخیص، تنها می‌توان به عنوان سیاهه‌ای از مداخل روایت عربی بهره برد.

جدول ۱- مقایسهٔ مدخل «چا» در دست‌نویس علی‌گره و بریتانیا<sup>۱</sup>

علی‌گره	بریتانیا
<p>---- نوعیست از نبات و منبت او در زمین چین است و فعل چون فعل نیکست که مردم را بی‌خبر کند</p>	<p>چا نوعیست از انواع نبات و معدن او در زمین چین است و این جیم را تازیان معرب کنند بصاد کویند صاد این نبات را بپزند و در وعالی چهارسو خشک کند و غیر آن نیابت دارد بلکه در منفعت به باشد و مضرت شراب را دفع کند و باین جهت او را بر زمین تبت برند زیرا چه عادت اهل تبت آنست که خمر بسیار خورند و دفع مضرت او را هیچ دارویی ازو نافع‌تر نیست و طائفه که او را بزمین تب برند در قیمت او جز مشک نگیرند و در کتاب اخبار چنین آورده است که نبات ؟؟؟ مقداری باریکتر باشد و طعم او خوشته بود و درو اندک طعم تلخ باشد چون او را بجوشند آن تلخی ازو برود و او را در وقت تری بر همدیگر بنهند و بکوبند و بآب کرم بناشتا شربت کنند و بخورند و شربت او این نوع حرارت باطن را بنشاند و خون را صاف کند و طایفه که در نواحی چین بمنبت این نبات رسیده‌اند چنین گویند که مقربان و شاهان ایشان در شهر ؟؟؟ و در میان این شهر وادی است و آبی بزرگ درو می‌رود چنانکه دجله است در میان بغداد و بر هر دو طرف وادی خماران باشند و خانه‌داران و مواضعی که در آن مواضع چا خورند چنانکه در زمین هند بنک را در مواضع معلوم بسر خورند و خراج آنموضع بخزانه ملک باز گردد و وسیع و شراب نبات چا حرام است در آن موضع مگر با پادشاه آنحضرت و حکم ایشان در آن کس که بی‌اجازت و فرمان ملک یا نبات چا بخورد و بفروشد یا دزد را بکشند و گوشت او را بخورند و دخل این مواضع که گفتیم با دخل معادن زر و نقره خاص مر آن پادشاه را و چندی در قرابادین خود بگوید چا نباتیست از انواع نباتها معدن او در بلاد چین است و او را در زمین قرصها کنند و باطراف برند و چنین گویند که سبب معرفت او آن بود که پادشاه چین بر یکی از خواص حضرت خود چشم گرفت مثال داد تا او را از حضرت او ؟؟؟ کردند و در کوهها بگذاشتند و آن شخص زرد چهره بود و معلول روزی از غایت کرسنکی بر اطراف کوهی میکشست تا ناگاهی این نبات را بیافت و غذاء خود ازو ساخت تا در مدت اندک آثار صحت و حسن</p>



۱. برگرفته از مقاله «تحریر فارسی صیدنه بیرونی و دست‌نویس‌های آن در شبه قاره و اهمیت آن در بررسی میراث مشترک داروشناختی ایران و هند» که توسط فرض‌پور ماچیانلی و کرامتی در «همایش بین‌المللی میراث مشترک ایران و هند: نسخ خطی، ظرفیت‌ها و چالش‌ها» عرضه شده و در مجموعهٔ مقالات این همایش منتشر خواهد شد.



علیگره	بریتانیا
	<p>بتمام و کمال ظاهر شد و او هم چنان بدان مداومت می نمود و در کمال قوت و حسن صورت او می فزود تا یکی را از مقربان حضرت آن پادشاه برو کذر افتاد و حال او از ان جنس معاینه کرد و خبر او پیادشاه رسانید و از تبدیل حالت و هیأت آن شخص خبر داد پادشاه از آن حال متعجب شد و مثال داد؟؟ توقف او را بحضرت حاضر آوردند چون پادشاه صورت او بدید هر چند نگاه کرد از غایت تفاوتی که در منظر او پدید آمده بود نتوانست شناخت تا از حال او سؤال کرد و از سبب صحت او استکشاف نمود و او ماجرا تقریر کرد و خاصیت ان نبات را شرح داد چون از خاصیت او معلوم شد آنگاه چای را در معرض تجربه آوردند تا تمامت منافع او معلوم کردند و او را در ادویه بکار بردند.</p>

نذیر احمد (ص ۴۶-۵۴) با مقایسهٔ اجمالی این کتاب با قطعاتی از متن عربی بر آن بود که برخی مدخل‌ها نیز حذف شده‌اند در حالی که مدخل‌هایی که او برشمرده است، در دست‌نویس‌های کامل تحریر فارسی نیز نیامده‌اند و در نتیجه حذف آن‌ها را باید به محرر فارسی و نه تلخیص دست‌نویس علیگره نسبت داد (فرض پور ماچسانی و کرامتی، ص ۵۴۶-۵۴۷).

دست‌نویس موزهٔ بریتانیا (لندن)، ش ۵۸۴۹ Or؛ این دست‌نویس در ۱۷ شوال ۱۱۹۰ ق کتابت شده است.

بوریج در ۱۸۸۹م برای نخستین بار این دست‌نویس را در شهر لکهنو در هند کشف کرد و به بریتانیا برد که از ۱۹۰۲م به شمارهٔ Or. ۵۸۴۹ در موزهٔ لندن نگهداری می‌شود. پس از او فونان<sup>۱</sup> و استوری<sup>۲</sup> نیز آن را معرفی کردند (بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی، مقدمهٔ افشار، ص سیزده و چهارده). در این دست‌نویس عنوان‌ها به ترتیب الفبا آمده و جابه‌جایی وجود ندارد (فرض پور ماچسانی، ۱۳۹۹ش، ص ۲۶). تحریر فارسی الصیدنة و به‌ویژه دست‌نویسی که اینک در موزهٔ بریتانیا نگهداری می‌شود سبب آگاهی پژوهشگران از وجود کتاب الصیدنة فی الطب شد (بیرونی، مقدمهٔ کریموف، ص ۳۰؛ بیرونی، مقدمهٔ زریاب، ص نه).

1.. Fonahn  
2.. Storey

کفتند را بخت سوب الفقه و انقدر کوبند بدال مجرولیت کوه غار بخت بزرگ را عتیک  
 کوبند و کوبند فقه نامی است از هماره فقه با و غار بخت و این است کوبند و انقدر فقه  
 کوبند یعنی فایح و بخت روی او را شکر نشون کوبند و بعضی گفته اند بخت روی او را فیسوس  
 روس کوبند و بخت جندی کوی را سبای کوبند و بعضی مواضع از اهل هند و سی را فایح کوبند  
 و در آن بجا و ای او رده است که او جبار رفیع است کوی و این بجا کوی و کوی را فایح کوبند  
 چون آدمی را بخت از غار با غو و بسوی آدمی چون تر بخت از دین بخت سکلی از اهل سکلیها  
 کز او را فایح کوبند و او تر بود و یکی از خواص او است که انعام بر میانگ را با و کوبند  
 و در وی قوت پاک کردن اعضا عظیم بلع باشد و نوعی از بولون بخت است و هر چه جرم او  
 جوار باشد از بکریه نکند بلکه بخت را بکند و برود و بعضی گفته اند اول تو کوبند فیسوس  
 کل قوی را فیسوس کوبند و کز او در با بجا او رده ایم و میان غایت او در جوش لایق  
 غایت ارجانی کوی کل قوی سرد است در در بر اول و در و در بر شکست سکلی از  
 عظیم بخت خاصه بر کوب آب اینجور شود و هر چه از بسوزند و بشوید ریشها بر را بکند  
 و او صلی باشد و لون او سبزه و راق بود و جرم او سخت باشد و اندکی روی صلح کوفت  
 و بعضی از وی جرم هموار و راق نباشد و زرد در شکست شود و بخت فیسوس کوبند  
 قیصر نوعی است از صمغ و معدن او در بلا و مغز است و اندکی بر شایست و طعم زهر است  
 با بل بود و وی او با قوت باشد و اول با کوی با چون میوه در هم استعمال کنند و بعضی گفته اند  
 قیصر بسوزد و است فیسوس این هموار بخت کوبند و نوعی است از صدف و مایه کوبند  
 فیسوس کفالت دریا شایست دارد و کوی کز او را در بخت فیسوس کوبند غایت ارجانی  
 کوبند فیسوس کرم است بلع و قوت زرد و در وی عظیم بلع است و او را در کوبند  
 بکار برند و بعضی فیسوس از او و خازا با کز او کراند و با خند کز او جزم باشد کوبند و بنها  
 و نالان بوسیده را حکم کند و او روی را برود و ریشهای چشم را بقوت کند و ریشها کز او  
 از یک و دره پاک کرده و اندک و کشت زیادتی را بکورد و قیصر کوبند غار و قوی لغت است  
 و او را از قعر بخت نمند و بیرون آند و بعضی کوبند او اختصاص بقصر بلع ندارد بلکه در طول  
 بود و کشت بهار با و بنید اند و در سینه بود و او را حکم است با کوبند و زان او را  
 در وقت رشتن ریشها در دهها استعمال کنند و کینوع را از در زمین بنزد او را کوبند  
 و در صید زنبقین و دیگر کز او اهل منجا و را بسکه کوبند و این نوع تریکی روغن لغت است  
 و در زمین جرجان نوعی دیگر است که بخت است دارد و بموم کون او سیاه باشد و بخت



دست‌نویس موزة بریتانیا، گ ۱۳۹ ر

مایرهوف در مقاله‌ای (۱۹۴۵، ص ۳۲۳-۳۲۸) ترجمه انگلیسی مدخل «بیش» را که پیشتر نیز به فرانسه ترجمه کرده بود، بر اساس تصویر دست‌نویس موزة بریتانیا عرضه کرد. به نوشته مایرهوف، او ترجمه کامل صیدنه را در ۱۹۴۳م به پایان رساند و پل کراوس<sup>۱</sup> سه فصل نخست را با استفاده از ترجمه او تصحیح کرد. اما کار کراوس به سبب مرگ وی ناتمام ماند (نیز ← فرض‌پور ماچیانی، ۱۳۹۹ش، ص ۵-۶).

دست‌نویس مجموعه اهدایی محمدشفیع به دانشگاه پنجاب لاهور که متعلق به قرن سیزدهم هجری است (استوری، ج ۲، ص ۲۰۳؛ بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی،

1. Paul Kraus

مقدمه افشار، ص هفت-چهارده؛ برای آگاهی بیشتر درباره دست‌نویس‌های تحریر فارسی ← فرض‌پور ماچیانی و کرامتی، ص ۵۴۴-۵۴۸).

**دست‌نویس مجموعه عبدالغنی میرزایف در تاجیکستان.** این دست‌نویس توسط مدیر مجموعه، سید نورالدین شهاب‌الدین‌اف به دست آمده و عرب‌شناس تاجیک، تاج‌الدین نورالدین مردانی آن را خریداری کرده است. در مقدمه از این دست‌نویس با عنوان دست‌نویس مردانی یاد شده است که در مؤسسه زبان و ادبیات، شرق‌شناسی و آثار خطی فرهنگستان علوم جمهوری تاجیکستان به شماره ۵۶۰۰ نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت و نام کاتب به سبب نبود برگه‌های آخر روشن نیست. بنا بر پیشگفتار حاجی‌زاده مدرشکتی (ص ۹) کاتب این دست‌نویس، کتابت را تا انتهای آن انجام نداده و آخرین مدخل آن «ودع» بوده است. اشتباهات و افتادگی‌های فراوان در متن دست‌نویس وجود دارد. به نوشته وی (ص ۸) بر اساس ویژگی‌های کاغذ و مواد صحافی احتمالاً این دست‌نویس از هندوستان به تاجیکستان منتقل شده است.

دست‌نویس مردانی در دو مجلد در تاجیکستان چاپ شده است؛ جلد اول شامل متن دست‌نویس به خط سیریلیک زبان تاجیکی و تصحیح آن، و جلد دوم شامل تصویر دست‌نویس مردانی و دست‌نویس بریتانیا است. جلد اول این چاپ در اختیار نگارنده نبود اما به نوشته حاجی‌زاده مدرشکتی (ص ۱۰) برای تصحیح این اثر، دست‌نویس مردانی اساس قرار گرفته و افتادگی‌ها با استفاده از دست‌نویس بریتانیا و تصحیح ستوده و افشار تکمیل شده است. برای اسامی رومی، یونانی، سریانی و هندی داروها به حروف سیریلیک تاجیکی نیز از ترجمه روسی کریموف استفاده شده است.

#### اهمیت و جایگاه صیدنه در داروشناسی دوره اسلامی

کریموف در اهمیت صیدنه در مقایسه با سایر منابع داروشناسی دوره اسلامی به مواردی از جمله توجه به منبع دارویی، نام داروها در زبان‌ها و گویش‌های مختلف، منابع مورد استفاده بیرونی یاد کرده است. به نوشته او صیدنه با کتاب‌های راهنمای معمولی در داروشناسی از جمله مقاله دوم قانون فی‌الطّب تفاوت مهمی دارد؛ «در این کتاب به تعریف منبع دارویی توجه اساسی شده است، نه به اطلاعات درباره خواص و تأثیرات آنها. بدین معنی که منبع دارویی چگونه به نظر می‌رسد، نشانه‌های خلوص، مرغوبیت و نظایر آنها کدام است» ← بیرونی، مقدمه زریاب، ص بیست و چهار؛ بیرونی، مقدمه کریموف، ص ۱۲-۱۳).

همچنین بیرونی به نام دارویی در زبان‌ها و گویش‌های گوناگون اهمیت فراوان می‌داد. زیرا در منابع کهن داروشناسی و پزشکی، نام داروها به دیگر زبان‌ها فراوان بود و همه پزشکان و

داروشناسان اهمیت واقعی آن را نمی‌دانستند. گاه یک دارو در مناطق مختلف، نام‌های مختلفی داشت و گاه یک نام را برای چیزهای گوناگون به کار می‌بردند. به نوشته کریموف، بیرونی حدود ۴۵۰۰ نام گیاه، جانور، کانی و فراورده‌های آنها را به زبان‌های عربی، یونانی، سریانی، هندی، فارسی، خوارزمی، سغدی، ترکی و ... بیان کرده‌است و گام جدیدی در راه تنظیم و ترتیب اصطلاحات دارویی زمان خود برداشته‌است. ذکر نام محلی داروها در میان ساکنان نواحی و شهرهای آسیای میانه، افغانستان، ایران و هندوستان از تنوع وسایل درمان در آن روزگار خبر می‌دهد. بیرونی از دوستان و پنجاه مؤلف که فیلسوف، طبیعی‌دان، جغرافی‌دان، شاعر، جهانگرد، زبان‌شناس و مورخ بودند، در کنار پزشکان یاد کرده که آثار بسیاری از آنها بر جای نمانده‌است. همچنین بیرونی در این کتاب آگاهی‌های ارزشمندی دربارهٔ نقاط جغرافیایی که مواد دارویی از آنها نشأت گرفته‌اند و گیاهان دارویی با ارزشی که از یاد رفته‌اند، در اختیار داروشناسان و سایر مخاطبانش قرار داده‌است (بیرونی، مقدمهٔ کریموف، ص ۱۲-۱۳؛ برای منابع صیدنه ← بیرونی، مقدمهٔ کریموف، ص ۶۹-۱۳۰؛ بیرونی، مقدمهٔ زریاب، ص بیست، چهل و سه-پنجاه و پنج).

از میان تراجم‌نویسان و داروشناسانی که به صیدنه و محتوای آن اشاره کرده‌اند، می‌توان به ابن ابی اصیبعه در *عیون الأنبیاء فی طبقات الأطباء* (ج ۲، ص ۲۰)، حاجی خلیفه در *کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون*، سدید الدین کازرونی در شرحی بر مقالهٔ *دوم القانون فی الطب ابن سینا*، علی بن حسین انصاری شیرازی در اختیارات بدیعی، عقیلی علوی خراسانی در *مخزن الأدویة و محمد اعظم خان در محیط اعظم یاد کرد* (بیرونی، مقدمهٔ کریموف، ص ۳۶، ۳۸؛ تاج بخش، ذیل «*الاصیدنة فی الطب*»، ص ۴۵۲).

با وجود اهمیت این کتاب، صیدنه نه فقط در روزگار خود، بلکه پس از آن نیز چندان مورد توجه قرار نگرفت و فقط برخی دانشمندان به منظوره‌های صرفاً علمی به آن رجوع می‌کردند. کریموف علل متعددی را برای آن برشمرده‌است؛ ناتمام ماندن نگارش این کتاب و در نتیجه نادرستی دست‌نویس‌های آن، شمار فراوان اصطلاحات غیر عربی و فقدان اطلاعات دربارهٔ خواص درمانی داروها از آن جمله‌اند (بیرونی، مقدمهٔ کریموف، ص ۱۳).

بدین ترتیب صیدنهٔ بیرونی تا آغاز سدهٔ بیستم برای اروپاییان ناشناخته ماند تا اینکه در ۱۹۰۲م دست‌نویسی از تحریر فارسی که امروزه در موزهٔ بریتانیا نگهداری می‌شود، شناسایی شد. اما حتی کشف تحریر فارسی صیدنه نیز علاقهٔ چندانی بین متخصصان ایجاد نکرد تا آنکه دست‌نویس روایت عربی صیدنه در ۱۹۲۷م در شهر بورسه شناسایی و سرآغازی شد برای مطالعات پژوهشگران بر این کتاب ارزشمند که تا امروز ادامه دارد (بیرونی، مقدمهٔ کریموف، ص ۳۷).

### پژوهش‌هایی بر صیدنه و تحریر فارسی آن

پژوهش‌های متعددی بر روایت عربی صیدنه و تحریر فارسی آن صورت گرفته‌است که به برخی از آنها پیشتر اشاره شد. در این میان نام پژوهشگرانی چون مایرهوف، کرنکو، کراوس، بوآلو<sup>۱</sup>، مینوی، کیا و محصل<sup>۲</sup> به چشم می‌خورد.

مایرهوف (۱۹۴۰، ص ۱۳۳-۱۵۲) که در یادداشت‌های خود در چاپ ناتمام منتخب کتاب ادویة المفردة غافقی گاه از صیدنه نیز استفاده کرده و قطعات کوتاهی از آن را به انگلیسی ترجمه کرده بود، در بخش‌های بعدی این مقاله ترجمه عنوان‌های «اظفار الطیب»، «بیش» و «چای» را به فرانسه منتشر کرد.

کرنکو (۱۹۴۶، ص ۱۰۹-۱۱۰) با اشاره به قصد مایرهوف برای انتشار ویراست انتقادی روایت عربی صیدنه، به کاستی‌های روایت عربی اشاره کرد که به گمان او از نظر مایرهوف پوشیده مانده بود. نذیر احمد از سه دست‌نویس روایت فارسی (بریتانیا، علیگره و محمد شفیع) نام برده و دو مدخل «چا» (چای) و «آبنوس» را از دست‌نویس علیگره به ترتیب با دست‌نویس بریتانیا و اصل عربی مقایسه کرده (البته روایت عربی مدخل چای ندارد) و دست‌نویس علیگره را خلاصه‌ای بسیار مختصر از اصل ترجمه دانسته است.<sup>۳</sup>

کریموف در ۱۹۷۱م از رساله دکتری خود با عنوان الصیدنه بیرونی دفاع کرد که در ۱۹۷۳م به عنوان جلد چهارم مجموعه آثار برگزیده بیرونی در تاشکند به چاپ رسید. ترجمه روسی کریموف نخستین ترجمه کامل صیدنه به یک زبان اروپایی است. کریموف این ترجمه را بر اساس تنها دست‌نویس متن عربی و با توجه به دست‌نویس تحریر فارسی موجود در موزه بریتانیا انجام داده‌است. علاوه بر این، او با پیشگفتاری مفصل درباره این کتاب، پژوهش و حواشی بسیار در متن اثر، تهیه فهرست اعلام و اماکن، نام داروها و نام‌های لاتینی، یونانی، عربی و فارسی آنها، راه را برای صیدنه‌پژوهان هموار کرده. چنانکه ایرج افشار در مقدمه خود بر ترجمه و تحریر فارسی صیدنه از کریموف که «... با رنج و دقت وافر بسیار از دشواری‌های صیدنه را در ترجمه خود برطرف کرده...»<sup>۴</sup> قدردانی کرده‌است. همچنین عباس زریاب خوبی در مقدمه خود بر ویراست انتقادی روایت عربی صیدنه پس از اشاره به ترجمه روسی کریموف می‌نویسد: «...اطلاع من از زبان روسی

1. Boilot, D. J. "L'œuvre d'al-Bīrūnī: Essai Bibliographique." *MIDÉO - Mélanges de l'Institut dominicain d'études orientales* 2, 1955, pp. 161-256.

ترجمه فارسی این کتاب به دست پرویز ادکایی با عنوان کارنامه بیرونی: کتابشناسی و فهرست آثار در سال ۱۳۵۲ منتشر شده‌است.

۲. کیا، صادق و محصل، راشد، واژه‌های گویشی ایرانی در نوشته‌های بیرونی، تهران ۱۳۵۳ش

۳. «کتاب الصیدنه بیرونی و ترجمه فارسی آن»، علی رضوی، آریانا، سال ۱۹، جدی ۱۳۴۰ ش، ص ۴۶-۵۴، سال ۲۰، دلو ۱۳۴۰، ش ۱، ص ۱۳-۴۸؛ سال ۲۰، حوت ۱۳۴۰، ش ۲، ص ۴۹-۵۲

۴. بیرونی، ترجمه و تحریر کهن فارسی کاسانی، مقدمه افشار، ص بیست و دو

آن اندازه نیست که از مقدمه عالمانه و حواشی محققانه این کتاب بهره ببرم اما به زور استفاده از فرهنگ‌ها توانسته‌ام به اهمیت عظیم این کار پی ببرم و در هر جا که توانسته‌ام، از آن استفاده کرده‌ام و به قطع و یقین می‌توانم بگویم که این کار نشانه بارز تحقیق است و نظایر آن بسیار کم است. من پس از در دست گرفتن این اثر ارزنده بود که توانستم جرأت چاپ متن صیدنه را داشته باشم و اگر این ترجمه و تحقیق در دست من نبود بسیاری از مشکلات بر من حل نمی‌شد. ان‌شاءالله یکی از جوانان آشنا به زبان روسی بتواند دست‌کم این مقدمه نفیس را به زبان فارسی ترجمه کند<sup>۱</sup>.

سرانجام ترجمه فارسی متن روسی کریموف با تلاش مجدانه باقر مظفرزاده<sup>۲</sup> و پیگیری‌های محمد باقری انجام شد و در ۱۳۸۳ش به چاپ رسید. اینک پژوهشگران این حوزه به راحتی از آن بهره‌مند می‌شوند. به گفته او در مصاحبه‌ای، ترجمه روسی کتاب صیدنه را محمد باقری از پژوهشگری تاجیک به نام غالب قربانوف در بخارا هدیه گرفته بود، که در اختیار او قرار داد و استاد زریاب از خبر ترجمه آن به فارسی بسیار شاد شد. علاوه بر این، مظفرزاده زندگی‌نامه کریموف را که از دخترش، ثریا کریمووا، دریافت کرده بود، به طور کامل ترجمه کرد و در بخش پیش‌گفتار مترجم فارسی قرار داد (← «مصاحبه با آقای باقر مظفرزاده»؛ «درگذشت باقر مظفرزاده رودسری»).

عباس زریاب خوبی، متن عربی صیدنه را بر اساس دست‌نویس بورسه، حواشی دست‌نویس منهج البیان موجود در دست‌نویس شماره ۸۱۹۰ و دست‌نویس تحریر فارسی موزه بریتانیا و نیز به کمک ترجمه و توضیحات روسی کریموف تصحیح انتقادی کرد که در ۱۳۷۰ش به چاپ رسید.

هوشنگ اعلم، مورخ تاریخ پزشکی و علوم زیستی، در مقاله «بیرونی، ابوریحان: ۴. داروشناسی» در دانشنامه جهان اسلام به مواردی از جمله محتوای کتاب صیدنه، ترجمه-تحریر فارسی کاسانی و دست‌نویس‌های موجود از هر یک از آنها و نیز چاپ‌ها و ترجمه‌های موجود از این کتاب تا آن زمان اشاره کرده‌است (ص ۱۷۱-۱۷۷).

منوچهر ستوده و ایرج افشار در چاپ تحریر فارسی صیدنه، ساختار دوباره دست‌نویس مغنیسا را مبنای کار خود قرار دادند و کوشیدند تا آن را با کمک چهار دست‌نویس مجلس، اصفهان، بریتانیا و دهخدا تصحیح کنند.

پژوهش‌های دیگری نیز بر روی کتاب الصیدنه فی الطب و تحریر فارسی آن صورت گرفته که از آن میان می‌توان به مقاله «اندر باب صیدنه زریاب»<sup>۳</sup> و «چهار پاره دوم»<sup>۴</sup> اشاره کرد (برای آگاهی از

۱. بیرونی، مقدمه زریاب، ص سی و پنج-سی و شش

۲. دبیر شیمی و مترجم آثار دیگری چون خجندی‌نامه اثر خورشید عبدالله‌زاده و نعمان نعمان‌اف از روسی به فارسی

۳. رضوی برقمی، سیدحسین، «اندر باب صیدنه زریاب»، آینه میراث، دوره جدید، سال اول، ش ۳، (پاییز ۱۳۸۲)، ص ۱۲۰-۱۳۰

۴. صفری آق‌قلعه، علی، «چهار پاره دوم»، گزارش میراث، ش ۴۵ (خرداد و تیر ۱۳۹۴ش)، ص ۳۸-۴۱

سایر پژوهش‌ها دربارهٔ صیدنه و تحریر فارسی آن و خلاصه‌ای از محتوای آنها ← فرض پور ماچیانی، ۱۳۹۹ش، ص ۳-۸).

فرض پور ماچیانی و کرامتی در پژوهشی دست‌نویس علیگره را با پنج دست‌نویس دیگر تحریر فارسی و نیز با روایت عربی آن مقایسه کردند. نتایج نشان از آن دارد که دست‌نویس علیگره در حدود ۲۸۸ مدخل کمتر از دست‌نویس بریتانیا دارد و مداخلی که در دست‌نویس علیگره وجود ندارند، در دست‌نویس بریتانیا و اغلب دست‌نویس‌های دیگر تحریر فارسی صیدنه آمده‌اند. مقایسهٔ محتوای برخی مداخل دست‌نویس بریتانیا و علیگره نشان از آن دارد که در غالب موارد دست‌نویس علیگره دارای کاستی‌هایی نسبت به دست‌نویس بریتانیا است. همچنین مقایسهٔ این دست‌نویس با روایت عربی نشان داد که این دو افزوده‌ها و کاستی‌های چشمگیری نسبت به هم دارند.

کرامتی (ص ۹-۳۱) در مقاله‌ای با عنوان «متون موازی صیدنهٔ بیرونی و تحریر فارسی آن»، برخی افتادگی‌های صیدنه را با استفاده از کتاب ابدال رازی که از منابع بیرونی در بحث ابدال صیدنه بود، تکمیل کرد. همچنین از کتاب شرحی بر مقالهٔ دوم قانون ابن‌سینا نوشتهٔ سدیدالدین کازرونی که از تحریر فارسی کاسانی به عنوان یکی از منابعش یاد کرده، برای تکمیل بخش‌هایی از تحریر فارسی بهره برد.

فرض پور ماچیانی و کرامتی (ص ۵۴۱-۵۷۰) به نام و نسب محرر فارسی صیدنه، روزگار و تاریخ نگارش تحریر فارسی اشاره کرده‌اند. به نوشتهٔ آنها صورت درست نام وی «ابوبکر بن علی بن عثمان کاسانی» است که بر اساس نسخهٔ مغنیسا او را با نام قاضی جلال کاسانی نیز نامیده‌اند. آنها مداخل افزوده یا کاسته‌شده در تحریر فارسی را یاد کرده و شیوهٔ بهره‌گیری از تحریر فارسی را به عنوان متن موازی برای ویراست انتقادی تحریر فارسی بیان کرده‌اند.

## منابع

ابن ابی اصیبعه، کتاب عیون الأنباء فی طبقات الاطباء، چاپ امرؤ القیس بن طحان [آوگوست مولر]، قاهره ۱۲۹۹/ ۱۸۸۲؛

اعلم، هوشنگ، «بیش» در دانشنامهٔ جهان اسلام، ج ۵، زیر نظر غلامعلی حدّاد عادل، تهران ۱۳۷۹ش.  
بیرونی، ابوریحان، صیدنه، ترجمه و تحریر کهن فارسی از ابوبکر بن علی بن عثمان کاسانی، به کوشش: منوچهر ستوده و ایرج افشار، تهران ۱۳۵۸ش.

---، الصیدنة، میکروفیلم دست‌نویس بورسه، کتابخانهٔ قورشونلو، ش ۱۴۹.

---، الصیدنة فی الطب، ترجمهٔ فارسی ابوبکر بن علی بن عثمان اسفر الکاسانی (سدهٔ سیزدهم میلادی)، تهیهٔ متن و پیشگفتار: احمد حاجی‌زاده مدرسکتی، زیر نظر و تحریر تاج‌الدین مردانی، دوشنبه ۲۰۱۷م.

---، الصیدنة فی الطب (داروشناسی در پزشکی)، مترجم فارسی (از متن عربی و ترجمهٔ روسی کریموف): باقر مظفرزاده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۳ش.

- ، کتاب الصیدنة فی الطب، مصحح: عباس زریاب خوبی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۰ ش.
- تاجبخش، حسن، «الصیدنة فی الطب»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۴، تهران ۱۳۹۱ ش.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی، کشف الظنون عن اسامی کتب والفنون، ج ۷، لایپزیگ و لندن ۱۸۳۵.
- «درگذشت باقر مظفرزاده رودسری»، خبرنگار تاریخ علم، سال چهارم، ش ۱۶ و ۱۷ (پاییز و زمستان ۱۳۹۳).
- رضازاده لنگرودی، رضا، «زریاب، عباس» در دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۱، زیر نظر غلامعلی حدّاد عادل، تهران ۱۳۹۵ ش.
- صفری آق‌قلعه، علی، «دو بخش بازیافته از اصل عربی کتاب الصیدنة ابوریحان بیرونی»، میراث علمی اسلام و ایران، ج ۴، شماره ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۴).
- فرض‌پور ماچیانی، سارا، پژوهشی در ترجمه و تحریر فارسی الصیدنة فی الطب، استاد راهنما: یونس کرامتی، استاد مشاور: دکتر محمد صدر، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ علم گرایش طب و داروسازی در جهان اسلام، دانشگاه تهران، پژوهشکده تاریخ علم، ۱۳۹۹ ش.
- فرض‌پور ماچیانی، سارا، «سوسن (۱)» در دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۵، زیر نظر غلامعلی حدّاد عادل، تهران ۱۳۹۷ ش.
- فرض‌پور ماچیانی، سارا، کرامتی، یونس، «تحریر فارسی الصیدنة و پدیدآور آن»، تاریخ علم، دوره ۱۹، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۴۰۰).
- کرامتی، یونس، «متون موازی الصیدنة ابوریحان بیرونی (منابع بیرونی، آثار بهره‌مند از آن و تحریر فارسی کاسانی)» در آینه میراث، مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، دو فصل نامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی)، سال ۱۹، ش ۲، پیاپی: ۶۹، (پاییز و زمستان ۱۴۰۰).
- محمدی‌فر، شمامه، «سندل» در دانشنامه جهان اسلام، ج ۳۰، زیر نظر غلامعلی حدّاد عادل، تهران ۱۴۰۰ ش.
- «مصاحبه با آقای باقر مظفرزاده»، مجله میراث علمی اسلام و ایران، سال اول، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۱).
- میروی، مجتبی، «ابوریحان بیرونی (بمناسبت هزاره ولادت او)» در بررسی‌هایی درباره ابوریحان بیرونی به مناسبت هزاره ولادت او، تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر (۱۳۵۲).
- Meyerhof, Max. "Das Vorwort zur Drogenkunde des Bērūnī." *Quellen und Studien zur* (1933). *Geschichte der Naturwissenschaften und der Medizin* 3.3
- . "Études de pharmacologie arabe tirées de manuscrits inédits: I. Le livre de la droguerie d'Abu'r-Rayḥān al-Bīrūnī." *Bulletin de l'Institut d'Égypte* 22 (1940).
- "The Article on Aconite from Al- Bīrūnī's Kitāb Aṣ- Ṣaydana." *Islamic Culture* 19 (1945).
- Krenkow, Fritz. "Abu'r-Raihan al-Beruni." *Islamic Culture* 6.4 (1932).
- . "The Drug-Book of Bērūnī." *Islamic Culture* 20.2 (1946).
- Storey, C. A. *Persian literature: A bio-bibliographical survey*, London 1971.